

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

سیدموسی عثمان هستی
۲۶ سپتمبر ۲۰۱۴

به جای نیک نامی طشت بدنای زبام افتاد

دارم سرپُرشوروطن پرستی ورهائی گفتم اگر سخن ، نگوید مالیخولیائی
تعویذ گره خورده تاریخ امروز راستی را نپندارید شما خود نمائی
شاعری وزن و بی ترازو

نوشته های سیاسی من بعد از جر و بحث دوستان و یا شنیدن از جر و بحث مدیا درگلدان قلم من گل می کند و وقتی که خواننده های این قلم چشم شان به نام من می خورد با خود می گویند باز سید موسی هستی چه گلی رابه آب داده چهار زانوی چشم برنوشته های من می زنند و کوشش می کنند که نکات طنزی و انتقادی من را که در لابه لای رمز و کنایه کفن شده، بعد از این که بامیت سخن آشنا شدند یا قبر مرا با بیل ایمیل می کنند و یا به این و آن تیلیفون می زنند یا در کجاوه ایمیل موسی مانند نقد و توهین خود را رها در دریای نیل می نمایند تابه خانه فرعون قلم برسد مرا عصبانی سازند عصبان قلمی دوباره برپا کند تا دولچه آرند قلم خالی نماند

من در کتابخانه خانه خود بیشتر از پنجه زار جلد کتاب فارسی و عربی دارم این کتابها اتاق بزرگ را به یک قطی گوگرد تبدیل کرده خدانا خواسته اگر روزی دومی داخل اتاق شوند و سر خوردن اوراق کتاب ها دعوی بین طرفین رخ بدهد مانند برخورد های سلیقه ئی اشرف غنی و عبدالله به خاطرتنگی و زیادی کتاب پای یکی از دو موش می شکند بیشتر ساعت های زندگی من در همین اتاق در عقب میز کار خودم به خواندن کتاب ، نوشتن در کمپیوتر می گذرد یابایک کلک در کمپیوتر دور جهان را فکرم چرخ می زند و گاهی فکرو هوشم اسیر صفحه رنگین تلویزیون اتاق می گردد که تلویزیون کتابخانه جادو ۳ در دم خود دارد و با یک پلک زدن دور کره زمین را طی میکند خبر راست و دروغ رابه نشر می رساند

و گاهی دوستان راه خانه مرا به اشتباه می گیرند بدون تیلیفون زدن با عادت که از افغانستان با خود آورده اند به دیدن من می آیند و من مانند پدرم از مهمان و مهمانداری نمی ترسم بدون تشریفات و بیگانگی ماغذای خود ما را با دوستان زیب دسترخوان روی میز اولادها می سازیم چون تشریفات در میان نیست ترس هم از مهمان نیست.

دروازه ما دقالباب شد دروازه راباز کردم چند دوست در عقب دروازه بودند به خاطریکه حرفهای دل من در دلم مانده بود از آمدن شان خیلی خوشحال شدم آن دوستان نازنین را بعد از احوال پرسی عمیق و طولانی به خانه خیر مقدم گفتم.

همان روزی بود که کمیسیون انتخابات افغانستان دل به دریای بی پروائی زد و اعلان کرد، داکتر اشرف غنی احمدزی به حیث رئیس جمهور و دوکتور عبدالله عبدالله به حیث رئیس اجرائی دولت بدون نشر ارقام و نامی از برنده انتخابات پیشروانه که در تاریخ انتخابات جهان سابقه نداشت، ببرد.

من باخودتکان خوردم این اعلان انتخاباتی بود یا اعلان فوتی و با خودگفتم اعلان رئیس اجرائی چه ارتباط به اعلان کمیسیون انتخابات دارد باز با خود گفتم افراد بی سواد در پارلمان افغانستان پهلوی کرده شاید چنین قانون مسخره ای را امضاء کرده باشند که کمیسیون انتخابات حق دارد هر کاره باشد و این کمیسیون انتخابات فراتر از قانون پا گذاشته.

بعد از یک مکث به این فکر شدم که میگویند فیل تخم می دهد یا چوپه؟ با خود گفتم با این بزرگی و بی غیرتی که فیل دارد هر چه از او سرمی زند. آنقدر سخت نگرفتم و قابل خورده گرفتن هم نیست این نوع واقعیات در حوادث تاریخ کهن افغانستان بی شمار بوده ارگ افغانستان به این نوع افراد عادت کرده است.

دردو صدو چند سال قبل زمامداران دیگر چه کردند که این دویتم بچه ریزه **خواردسترخوان** امپریالیست امریکا و غرب بکند **سگ زرد برادر شغال زرد بوده است** و این ملیت های افغانستان که من می شناسم صدها بار دیگر **کلاه به سرشان خواهد رفت** چیزی که دردیگ کثافت است به زودترین فرصت بیرون می شود منتظر باید بود **عجله کار شیطان است**.

ملیت های وطن ما عادت دارند وقتی چند نفر با هم نشستند سر سیاست حرف می زنند اگر بررسی آقا تو چکاری کنی؟ میگویند در افغانستان داکتر یا انجینر و یا څارنوال و یا قاضی و یا نماینده سفارت افغانی در مسکو بودم حالا من طرف شوئی می کنم و یا در ترمینل سبزی کاری میکنم و یا در ریوردکان پیزه هستم

به هر صورت ملیت های افغانستان مثل تماشاچی **عقل صدها وزیر را دارند** از من پرسیدند انتخابات چه شد؟ گفتم خدا فضل کرد باد شد باران شد خدا مراد دو خوشه چین داد اشرف غنی احمدزی به حیث رئیس جمهور و **عبدالله عبدالله**، **مادر مرده** به حیث رئیس اجرائی دولت از طرف کمیته انتخابات اعلان شد و هر دو بدون فشار امریکا نتایج بدون نشر ارقام اعلان شد و هر دو نتایج را پذیرفتند که دم این کشاله کوتاه شود هر دو به خاطر خیر ملیت های افغانستان در اعلان نتایج به کمیسیون انتخابات کمک کردند

وطن پرستی همین طوری باشد دوستان گفتند وقتی که اجنبی ها در سر نوشت یک ملت نقش داشته باشد عاقبت کار چه خواهد شد؟ من که آدم ترسو هستم و علاقه مندم هستم که سال یکبار دوباره به کابل بروم از تبصره خودداری کردم که **دیوارها موش دارند و موشها گوش** چندبیتی را که بیش از آمدن دوستان نوشته بودم به آنها خواندم باز از ترس گفتم این یک شوخی با دو کاندید است جدی فکر نکنید کرزی ماستری داشت، چیزی کرده نتوانست این هر دو داکتر هستند و هم **اشرف غنی احمدزی** مردم تفکر درم جهان! است خانم صوفیه عمر، ملالی نظام و آقای آشفته را با خود دارد؛ این هانمی گذارند که **اشرف غنی** کارهای فاشیستی کند و هم اگر **عبدالله عبدالله** کار خلاف کند و از **محقق و سیاف** چماق علیه ملیت های افغانستان بسازد این سه نویسنده پیش از تعیین سر نوشت این دونفر، یخن **عبدالله عبدالله** را به خاطر **اشرف غنی** گرفتند در سایت افغان جرمن به تحریک آقای **نوری** این سه نفر قلم به دست **عبدالله عبدالله** را به **صدقاضی کورآشنا ساختند** آنقدر به او تهمت بستند که اسکلیت احمدشاه مسعود در قریبه لرزه درآمد و این دانش را نداشتند که **رسوا را رسوا کردن چه سود**. این سه نفر به شمول افغان جرمن و هم نویسندگان افغان جرمن این عادت به مرگ را دارند که آب نادیده موزه می کشند و حرفهای **یک بام و دو هوا** همیشه رسوائی به بار می آورد و مشکل سایت خاوران و سایت افغان جرمن این است کسی را که یک سنت ارزش ندارد به خاطر فاشیستی بودن شان از او صد دالری می سازند.

چنانچه از این شاه شجاع امریکائی که در مزدوری و بی شخصیتی مثلث خبیثه می باشند سایت خاوران و سایت افغان جرمن جرمن گل سبذ فاشیستی ساختند مثلث خبیث امریکائی (**کرزی، غنی، عبدالله**)

این سه نفر نویسنده افغان جرمن جرمن ملالی نظام، صوفیه و آقای آشفته از **غنی** قبل از وقت پیوند شفتالوی قلم کردند بدبختانه جای شفتالود و خصبیه **جان کری** وزیر خارجه امریکا ثمر پیوند نوده قلمی این سه نویسنده شد **کجاکاری کند عاقل** که باز آید پشیمانی

دوستان خنده کردند که مسؤول و گرداننده سایت جرمن جرمن مگر عقل ندارد که به هرسازقلم می رقصد من گفتم **امور مملکت خویش خسروان دانند** اینها خواستند که سلتر اراج برنامه تلویزونی «زهره یوسف» رابه بهانه مصاحبه با کدام شخصی به نام «استانیزی» بکشند از چتلی خودشان که روی تخته مرده برآمده پیش بینی نکرده بودند من چندبیتی که نوشته بودم گفتم دوستان کم من کرم شما. ابیات زیر را به اهل مجلس خواندم دوستان گفتند این قدر فلسفه طنزی چرا گفتمی اگر از اول این بیت طنزی را می خواندی حاجت به جروبحت و تبصره نبود. من گفتم ببخشید حرفها رابه خاطری طولانی ساختم که تاغذای پیتی آماده شود

**وطن را ساختند و پیرانه سرد امید نیست ازدو چهره زرد
نباشد گر شیران را شنو فرد شغالان را نباشد دست آورد
نکنید هیچ توقع از دونا مرد بگوازراهی که آمدی زود برگرد
شاعری وزن و بی ترازو**

نوت:

- ۱- ارند به معنی نهر انطاکیه
- ۲- ریزه خوار به معنی ریزه خور. که خرده های ریز پس مانده کسی را بخورد
- ۳- غذای پیتی یعنی غذای دال ماش
- ۴- چهره زرد ناتوان پهره زرد مرد (ک...ن) راهم می گویند
- ۵- شن و فرد در زبان عامیانی مردم شمالی غالمغال و پتکه کردن
- ۶- نامرد به معنی کسی است که نه مرد باشد و نه زن آنکه دارای آلت مردی و زنی هر دو باشد نر ماده سینه بیفایده و بیپوده
- ۷- مالیخولیا
- (اسم) ۱- گونه ای مرض عصبی است که با اختلال قوای عضلانی و دماغی همراه است و معمولاً در دنبال فلج عمومی یا تحت شکنجه شدید روحی و جسمی (محبوسانی را که شکنجه شدید می دهند) و یا بر اثر مرض صرع یا در اشخاص هیستریک و یا به طور مادر زادی پدید آید. مبتلایان به این مرض گاه از خوردن و آشامیدن خودداری می نمایند به نحوی که به حالت مرگ می رسند و گاهی خودکشی می کنند. برای معالجه این بیماران استراحت کامل و مسافرت به نقاط خوش آب و هوا و جدا بودن از افراد دیگر و از حوادث لازم است. این معالجه باید با تجویز داروهای مقوی قوای دماغی همراه باشد. مالیخولیا خبط دماغ صبارا صباره ۲- یکی از عواطف مرکب است و آن از تذکر حالات مطبوع مفقود و از اندوه فعلی که آنها را احاطه کرده است و غیره ترکیب شده. توضیح ۱ مالیخولیا به صورتهای: مالیخولیا ماخلولیا ملنخولیا مالیخ مالنخ و غیره در آمده
- ۸- خودنمایی به معنی آن چیزی که است تمثیل آن را نکند چیز دیگری خود را نشان دهد